این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

شرط نجات با محبت اهل‌بیت

آیت‌الله ناصری اصفهانی(ره):
خوشا به حال شماهایی که از دوستان و علاقه‌مندان این خانواده (اهل بیت علیهم‌السلام) هستید، آن چیزی که سبب نجات ما می‌شود همین محبت است. خدا می‌داند! مشروط بر اینکه بتوانیم این محبت را از این دنیا با خود ببریم، این مهم است. چون معصیت که زیاد شد حجاب‌های ظلمانی زیاد می‌شود و آن نور ولایت از بین می‌رود. صدر اسلام چه خبر بود آقا؟ دشمنان امیرالمؤمنین(ع) که با ایشان جنگیدند چه کسانی بودند؟ مسلمان بودند، قرآن را هم همراه داشتند و چقدر زیبا می‌خواندند. منظور اینکه باید عمل باشد. معصیت که زیاد شد، دیگر آن نور ولایت و محبت از بین می‌رود. باید تمسک و توسل به اهل بیت(ع) داشته باشیم تا ان‌شاءالله، خدا شر شیاطین انس و جن را از ما دور کند. الحاصل آقا.
منبع: کانال رسمی آیت‌الله ناصری در ایتا به نشانی «naseri_ir»

برای خواب افسوس می‌خوریم و از بیداری غافلیم

کانال «صراط مستقیم» در ایتا بیانی از حضرت آیت‌الله بهجت(ره) را به اشتراک گذاشت. ایشان فرموده‌اند: ما برای اوقات خواب خود افسوس می‌خوریم که چرا برای نماز شب بیدار نمی‌شویم، در صورتی که اوقات بیداری را به غفلت می‌گذرانیم! زیرا اگر در بیداری به توجه و بندگی مشغول بودیم، توفیق بیداری شب را نیز برای تهجد و خواندن نافله شب و تلاوت قرآن پیدا می‌کردیم! (منبع: بهجت‌الدعا، ص۳۸۵)

ترامپ هم راه چاپلوسی را برگزید!

سینا کلهر در توئیتی نوشت: ترامپ خوب می‌داند کجا آمده است. با شناختی دقیق از روحیه و فرهنگ خاورمیانه، به‌درستی دریافته تملق و چرب‌زبانی در این منطقه نه یک حاشیه، بلکه ابزاری کلیدی برای پیشبرد منافع است. او با همین روانشناسی ساده اما مؤثر، قراردادهای سنگین و یک جانبه را به‌نرمی تحمیل می‌کند.

ملانصرالدین و وضعیت سیاستگذاری در ایران

صادق الحسینی در توئیتی نوشت: سقف خونه ملانصرالدین چکه میکرد و قابلمه گذاشته بود که فرشش خیس نشه. بهش گفتن پس چرا سقف رو تعمیر نمی‌کنی؟ گفت چون داره بارون میاد و خیس میشم. بعد که بارون تموم شد بهش گفتن خب حالا سقف رو تعمیر کن، گفت الان که فعلاً چکه نمیکنه! این درباره ملانصرالدین نیست وضعیت سیاستگذاری در ایرانه.

نویسندگی را از کجا باید شروع کرد؟

وحید یامین‌پور در کانال شخصی خود در ایتا نوشت: جوان‌ترها با ذوق و هیجان، کتاب‌های پرفروش و محبوب را به مثابه آرزوهایی برای آینده لمس می‌کنند و در حالی که دوست دارند روزی به‌خاطر نوشتن یک کتاب از سوی یک «جمعیت مشتاق»، تحسین شوند، می‌پرسند: «نویسندگی را از کجا باید شروع کنیم؟» و من پاسخ می‌دهم: «از خلوت‌های طولانی، دوری از جمعیت‌های مشتاق»

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با معلمان

آموزش‌وپرورش خجالت نمی‌کشد؟!

بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار با معلمان با واکنش‌های بسیاری در شبکه‌های اجتماعی همراه بود. کاربران به نکات مختلفی که در بیانات رهبر انقلاب بود، واکنش نشان داده و به تحلیل و تبیین آنها پرداختند. بیانات معظم‌له درباره حاکمیتی بودن آموزش‌وپرورش و پرهیز از واگذاری آن به خارج از دولت، جذاب نبودن کتاب‌های درسی برای دانش‌آموزان، لزوم توجه به فعالیت‌های پرورشی و آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای از جمله نکاتی بود که فعالان حوزه تعلیم و تربیت بدان توجه داشتند. در ادامه بخش‌هایی از نوشته‌های کاربران را مرور کرده‌ایم.

khamenei.ir

احمد نادری:
وقتی رهبری آموزش‌وپرورش را «نهاد حکومتی» می‌نامند، تأکید بر آن است که تربیت نسل آینده، وظیفه حاکمیتی است، نه کالایی که بتوان آن را واگذار کرد. زمزمه‌های واگذاری یا خصوصی‌سازی، نه اصلاح ساختار بلکه ملوک‌الطوایفی کردن تربیت است. ایمان، هویت و عدالت آموزشی، قربانی بازار نخواهد شد.

مجتبی نامخواه:
استدلال صریح رهبر انقلاب اسلامی، نویدبخش افقی روشن در زمینه الغای واگذاری‌های پیشین و از میان بردن سازوکارهای ملوک‌الطوایفی موجود در آموزش‌وپرورش است. زمان برای جبران عقب‌ماندگی در عدالت آموزشی به سرعت در حال سپری شدن است.

عبدالمجید خرقانی:
رهبر انقلاب دوباره تأکید فرمودند محتوای کتب درسی باید جذاب باشند. چه ایرادی داره انیمیشن سازهای خوب انقلابی با ساخت محتواهای جذاب در قالب طنز، آموزش به همراه نشاط را ترکیب کنند و به دانش‌آموز ارائه دهند؟

کاربری با نام «گلی‌جان»:
معلمای عزیز، حرف‌های امروز رهبری رو خوب بشنوید، حتی‌الامکان استعداد دانش‌آموزان رو کشف کنید و پرورش بدید، درسته محتواها جذاب نیست ولی شما سعی کنید مفاهیم رو به شیوه جذاب بیان کنید تا وقتی مسئولان آموزش‌وپرورش بیان تو گود و ایرادات اموزشی رو رفع کنند.

احمد روستایی:
سالیان متوالی است که رهبر انقلاب به لزوم بازنگری در برنامه و محتوای درسی تکرار می‌کنند و هیچ تغییری هم اتفاق نمی‌افتد. آموزش‌وپرورش خجالت نمی‌کشد؟!

حمید رفیعی:
نکته قابل توجهی که رهبری بر آن تأکید کردند ضرورت حضور نیروهای متعهد در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی بود، شاید وقت آن رسیده باشد که سازمان پژوهش بستر حضور نیروهای جوان، خلاق، عالم و باورمند به انقلاب اسلامی باشد. این سازمان باید جایی برای رویش و تبلور اندیشه انقلاب باشد.

علی چاهخوراده:
در عصر جنگ نرم که رسانه و فضای مجازی می‌توانند هویت و باورها را تغییر دهد، نقش آموزش و پرورش در توانمندسازی فکری دانش‌آموزان حیاتی است، عدالت آموزشی، تضمین‌کننده شکوفایی استعدادها و کاهش شکاف‌های اجتماعی است، دلیل تأکید رهبری بر فرایندهای گزینشی همین موارد است.

سعید فراهانی‌نیا:
رهبر انقلاب به نکته مهمی درباره جذاب نبودن محتوا و کتاب‌های درسی اشاره کردند. وظیفه اصلی تولید و تحول محتوا بر عهده سازمان پژوهش است. شاید وقت آن رسیده این سازمان از «حیاط خلوت» برخی دوستان، به محیطی علمی، پویا و تحولگرا تبدیل شود. #دیدار_رهبری #فرهنگیان

مهدی قاسم‌زاده:
درحالی که برخی مسئولان کشورمان، آموزش‌وپرورش را یک نهاد مصرف کننده می‌بینند، رهبری امروز از لزوم اصلاح این نگاه سخن گفته‌اند. وزارتخانه‌ای که برای آینده کشور نیروی انسانی تربیت می‌کند و علاوه بر توسعه اقتصادی، می‌تواند در افزایش آگاهی و رشد فرهنگی و اجتماعی جامعه هم نقش داشته باشد!

مهسا باقری:
رهبری امروز در دیدار با معلمان خیلی خلاصه گفتند: تحول واقعی در آموزش‌وپرورش از معلم خوب و کتاب درسی جذاب، پر محتوا و زیبا شروع میشه، بدون این دو گزینه، تربیت نسل آینده ناقص می‌مونه. پس اگه این دوتا نباشه آینده سازان، نه ساخته می‌شن و نه آینده‌ای می‌سازن!

فاطمه موحدی:
امروز حضرت آقا بر «پرورش جوان‌ونوجوان با معارف و ایمان» تأکید و نقش آموزش‌وپرورش را فراتر از تدریسِ علوم و به عنوان سازنده ایمان و هویت ملی تعریف کردند.

یگانه پهلوان شاهنامه فردوسی

دکتر محمدرضا سنگری به مناسبت ۲۵ اردیبهشت، روز بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی و پاسداشت زبان فارسی، طی یادداشتی در وب‌سایت Khamenei.ir از نقش انکارناپذیر حکیم توس در پاسداری از زبان و فرهنگ ایرانی نوشته است. در ادامه بخش‌هایی از این یادداشت را مرور کرده‌ایم.

ما حماسه‌های فراوانی در قلمرو ادب فارسی داریم. بعضی از این حماسه‌ها، حماسه‌های پهلوانی و ملی هستند، برخی حماسه‌های دینی هستند مثل خاوران‌نامه و حمله حیدری و بعضی حماسه‌های قومی هستند که دریغا در جمع‌آوری این نوع حماسه‌ها تلاش چندانی نشده است. بعضی هم حماسه‌های عرفانی هستند مثل مقامات‌الطیور یا منطق‌الطیر عطار نیشابوری. اما اینجا سخن ما در باب حماسه پهلوانی و شاهنامه فردوسی است. شاخص‌ترین حماسه ادبی ایران که آن را هنرمندانه‌ترین حماسه مکتوب هم باید بدانیم. شاهنامه نه مثل ایلیاد و ادیسه است که سرگذشت یک پهلوان باشد و پهلوان محور و مرکز و کانون متن باشد و نه مثل رامایاناست که همه دعواها سر یک زن باشد و صرفاً موضوع و محور، مسئله‌ای عاشقانه باشد. شاهنامه نه داستان سلسله شاهان است و نه حتی ماجرای یک پهلوان، طوری که محور آن با مرگ قهرمان و پهلوان هم تمام نمی‌شود. در واقع یگانه پهلوان شاهنامه فردوسی ایران است، زبان و فرهنگ ایرانی است.

شاهنامه، کتاب حکمت

اما تمام شاهنامه درپی آن است که با یک زبان نمادین، ارزش‌ها را مطرح کند، به روح انسان تعالی ببخشد، افق‌هایی را که انسان باید به سمت آن افق‌ها حرکت کند، پرواز دهد و آنها را دریابد. بنابراین ما شاهنامه را کتاب حکمت می‌دانیم، کتابی حکیمانه و خردورزانه که محور آن خرد است و انسان را دعوت می‌کند که بکوشد تا فراتر از آن‌چه که هست، در زندگی خودش و در تاریخ حضور داشته باشد... در حقیقت شاهنامه ما را دعوت کرده است که اهل داد و دهش باشیم، اهل دادگری، عدالت، سخاوت و بخشندگی. دستی برای دستگیری دیگران داشته باشیم، گره از کار دیگران بگشاییم، چهره‌ها را به لبخند میهمان کنیم و قلب‌ها را به مهرورزی. این پیام اصلی شاهنامه فردوسی است.

۳ حماسه شاهنامه

شاهنامه را من چند حماسه می‌دانم. دست‌کم من سه حماسه برای شاهنامه فردوسی قائلم. حماسه اول، حماسه زبانی است. یعنی در روزگاری که فردوسی احساس کرد زبان فارسی در آستانه استحاله است، در حال از دست رفتن است، قدم در راه سرودن این حماسه کرد. طبیعتاً می‌دانیم وقتی یک زبان بمیرد، فرهنگ هم با آن می‌میرد، چون زبان حامل فرهنگ است... فردوسی وقتی یک چنین احساسی کرد، برای این مسئله، ۳۰ سال زمان گذاشت... و درست مثل قهرمانان شاهنامه که با تحمل رنج‌ها، محرومیت‌ها، ناباوری‌ها، تمسخرها، تحویل نگرفتن‌ها کار خودشان را پیش بردند، جناب فردوسی نیز با یک چنین همت سترگ و بزرگی به میدان آمد تا زبان فارسی را زنده نگه‌دارد. البته همین باعث شد خودش هم زنده بماند. اگر فردوسی شاهنامه را ساخته است، شاهنامه هم فردوسی را ساخته است. اکنون بیش از یک هزاره است که ما از فردوسی سخن می‌گوییم و از شاهنامه... فردوسی گویی هم‌عصر ما زندگی می‌کند. ما فردوسی را متعلق به هزاره پیشین نمی‌دانیم، فردوسی معاصر ماست... ما در این زمانه که به زبان فردوسی حرف می‌زنیم، فرهنگ فردوسی و ارزش‌های او و زبان او به امروز ما رسیده است. او میراث‌بان، میراث‌دار و میراث‌سپار زبان فارسی به نسل‌های پسین است.

اما حماسه دومی که در شاهنامه‌فردوسی باید به آن اشاره کنیم، حماسه پاسداشت فرهنگ ایرانی است. ایران سرزمین حکیمان بوده است... او در شاهنامه، حکمت ایرانی را به نسل‌های بعدی منتقل کرده‌است. ما شاهنامه را آیینه‌ای می‌دانیم و می‌بینیم چگونه فرهنگ گذشته را به ما نشان می‌دهد.

اما حماسه سومی که شاهنامه را می‌توانیم دارنده چنین حماسه‌ای بدانیم، حماسه دینی و... است. فردوسی برای ما روشن کرده است که باید با کدام دین زندگی کرد، با کدام آیین زندگی کرد و با کدام چهره‌ها باید زیست کنیم: اگر نیک‌خواهی به هر دو سرای | به نزد نبی و وصی گیر جای | بر این بودم و هم بر این بگذرم | یقین دان که خاک پی حیدرم.

او دارد ما را دعوت می‌کند، نبی و وصی الگوهای ما و اسوه‌های ما را مشخص و روشن می‌کند و در تمام شاهنامه، به گمان من شما می‌توانید خون قرآن را جاری در تار و پود شاهنامه بیابید... باید بگوییم فردوسی هم با قرآن زیسته است و قرآن را برای ما مطرح کرده است. شاهنامه درس‌های بزرگی برای ما دارد. من می‌توانم شاهنامه را یک اندرزنامه بزرگ هم بدانم. یعنی واقعاً کلاسی است برای حکمت، کلاسی است برای خردورزی، کلاس زندگی است.

چون می‌گذرد غمی نیست

یکی از فعالان توئیتر با نام کاربری «میرمیرانی» با انتشار تصویر فوق نوشت: چون می‌گذرد غمی نیست.

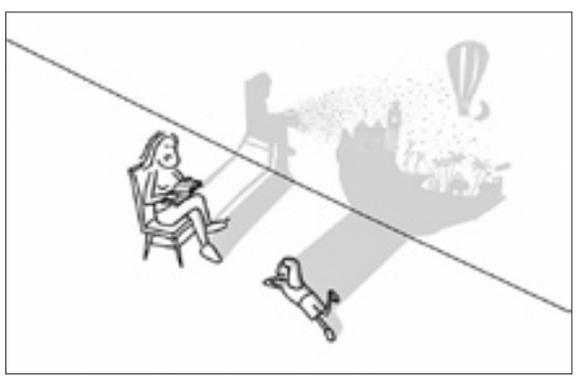

کلمات جادو می‌کنند

یکی از فعالان توئیتر با نام کاربری «بهنیا» با انتشار تصویر فوق نوشت: کتاب در دست مادر است اما کلمات در جان کودک جادو می‌کنند.

تصویری شگفت‌انگیز از سحابی رزت

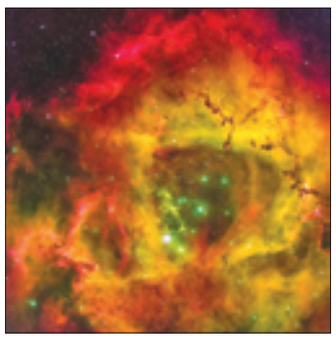

کانال تلگرامی «کیهان‌شناسی» با انتشار تصویر فوق گزارش کرد: سحابی Rosette (رزت)، یک سحابی نشری زیبا و گل‌مانند در صورت‌فلکی Monoceros است. این سحابی حدود ۵هزار سال نوری از زمین فاصله دارد و محل تولد ستارگان جوان است. درون آن خوشه‌ای ستاره‌ای به نام NGC 2244 قرار دارد که نور آنها باعث درخشش گازهای سحابی شده است. شکل گل‌مانند سحابی، آن را به یکی از محبوب‌ترین اهداف عکاسی نجومی تبدیل کرده است.

پی‌نوشت: سحابی به ابر عظیمی از غبار، گاز و پلاسما در فضاهای میان‌ستاره‌ای گفته می‌شود. بیشتر سحابی‌ها مناطق ستاره ساز هستند. در این نواحی، تشکیلات گاز، غبار و دیگر مواد به هم می‌پیوندند و مناطق متراکم‌تری را تشکیل می‌دهند که به جذب مواد بیشتری می‌انجامد و در نهایت آنها به اندازه کافی متراکم می‌شوند تا ستاره‌ها را تشکیل دهند.

«سفر» نیازمند توشه‌های انداختنی، نه برداشتنی

حسام ایپکچی در کانال تلگرامی خود نوشت: بیشتر شنیده‌ایم برای سفر باید توشه «برداشت» اما سفر بیش از «برداشتن» نیازمند «انداختن» و «گذشتن» است. تجربه زندگی، چگونه به دست آمده است؟ با پرسه‌زدن و سرک کشیدن به این‌سو و آن‌سو. شاید به چشم نیاید اما بر گردن ما هم، اضافات بسیاری پیچیده است. چه باید کرد؟

نه فقط زباله‌هایی که در مسیر زندگی به دست‌وپای ما پیچیده، بلکه گاه همان داشته‌های ارزشمندی که محترمانه در طاقچه دل‌مان چیده‌ایم هم مانع سفرند. مسافری که از همه زندگی، به یک چمدان اکتفا می‌کند، بیشتر از آن که توشه «برداشته» باشد، توشه انداخته است. سفر به بهای گذاشتن و گذشتن از داشته‌ها شدنی است. کسی که روزوشب را به نگهبانی از تعلقاتش می‌گذراند، فرصت «تازگی» ندارد. کسی که در فلان رشته، به استادی رسیده است، حالا برایش سخت است در دیگر کاری هم‌دوش جوان‌ترها به صندلی شاگردی بنشیند. یا کسی که در فلان مهارت، به مرحله عادت رسیده یعنی بی‌دشواری می‌تواند کاری که دیگران از عهده آن برنمی‌آیند را انجام دهد و دیگر حوصله «از نو ساختن» ندارد و... مثال‌هایی از این دست، «آغاز» را بابت نگهبانی از آنچه تاکنون داشته‌اند از دست می‌دهند. خلاصه اینکه: سفر، بیش از آنکه نیازمند توشه‌های اندوختنی باشد نیازمند توشه‌های انداختنی است. آغاز سفر، نه برداشتن، بلکه گذاشتن و رهاشدن از قیدهایی است که بر گردن ما افتاده.

آغاز نمی‌کنیم و در تصورمان، چون چیزی کم است، از آغاز محروم شده‌ایم. یک‌بار هم به‌جای «کم‌بود»ها به «اضافات» متوجه باشیم. شاید چیزهایی اضافی است که امکان آغاز کردن را به ما نمی‌دهد.

ویکتور هوگو، میخائیل بولگاکف و فرش ایرانی

موسی بیات در کانال شخصی خود در پیام‌رسان بله نوشت: ویکتور هوگو در اثر برجسته «بینوایان» نوشته شده در سال ۱۸۶۲ در توصیف خانه اجاره‌ای ژان والژان و کوزت در باغ‌های اطراف پاریس آورده است که این خانه مجلل، مزین به فرش ایرانی است. میخائیل بولگاکف اثر معروف خود به نام «دل سگی» یا «قلب سگی» را در سال ۱۹۲۵ در مسکو نوشته است. شخصیت اصلی این رمان پروفسور پزشکی به نام فیلیپ فیلیپویچ است که در آپارتمانی گران قیمت در مسکو زندگی می‌کند و گولکاکف در توصیف این آپارتمان آورده است که فرشی ایرانی سالن آن را آراسته است. این دو نویسنده که هیچ‌کدام فرش ایرانی را در ایران ندیده است به طور قطع آوازه فرش ایرانی را در مسکو و پاریس شنیده‌اند و این نام، نشان از کیفیت و ارزش بالای این کالا دارد که خانه‌های ثروتمندان را می‌آراید. این برند خوشنام حاصل سال‌ها حضور فرش باکیفیت و اصیل ایرانی در بازارهای اروپا بوده است به طوری که جای خود را در اذهان جامعه اروپایی باز کرده و خوش‌نشین آثار ادبی بزرگان آن سامان شده بود. اینک اما متأسفانه صادرات فرش ایرانی رونق روزگاران گذشته خود را از دست داده است طوری که گفته می‌شود میزان صادرات فرش ایرانی از ۲میلیارددلار در دهه ۷۰ به ۴۰میلیون دلار کاهش یافته است. این کاهش صادرات فقط اثر اقتصادی ندارد بلکه حضور آن در فرهنگ عمومی و روزمره مردمان دیگر کشورها کاهش و گاهی حذف می‌شود و این یعنی کاهش قدرت نرم ایران.

۲ مشکل ساختاری اقتصاد ایران

محمدجواد توکلی در کانال شخصی خود در پیام‌رسان ایتا نوشت: اقتصاد ایران در روندی تاریخی با دو مشکل ساختاری مواجه شده است. اول، وابستگی شدید به مصرف انرژی و دوم، وابستگی شدید به نهاده وارداتی. این دو مشکل وضعیت اقتصاد ایران را به درآمدهای وارداتی (عمدتاً نفتی) و نرخ ارز گره زده است و اقتصاد ایران را در معرض شوک‌های تحریمی و ارزی قرار داده است. اشتباهات سیاستی ما نیز باعث تشدید این دو مشکل ساختاری شده است. از دهه ۸۰ با اجرای سیاست نادرست هدفمندسازی یارانه‌ها (بخوانید گران‌سازی انرژی) باعث بروز شوک هزینه‌ای به صنایع شدیداً وابسته به انرژی شدیم و از قدرت رقابت این صنایع کم کردیم. در چند دهه اخیر، نداشتن سیاست تجاری درست و به تبع عدم مدیریت جدی واردات و قاچاق و دنبال نکردن سیاست جایگزینی واردات و در مقابل اجرای سیاست توسعه صادرات مواد خام یا نیمه‌خام هم باعث تشدید مشکل وابستگی تولید به نهاده خارجی شده است.

تصویر منتخب

تربیت کودک مسئول | سپردن کارهای متناسب با سن به کودک فقط کمک به والدین نیست، یک تمرین تربیتی است برای تقویت نظم مسئولیت‌پذیری و حس توانمندی | منتشر شده در کانال «تبیان»